

[195] و معاویه با من در مورد حقى منازعه مى کند که آن برای من است، و برای صلاح امت قطع فتنه و آشوب آن را رها کردم، و شما با من بیعت کرده بودید که با هر که صلح کنم صلح و با هر که جنگم جنگید، به این عقیده رسیده ام که با معاویه سازش کنم و خط جنگ بین خود و او را پایان دهم، و با او بیعت نمودم و دیدم که جلوگیری از خونریزی بهتر از ریختن آن است، و قصدم از این کار صلاح و بقای شماست، (و شاید این امر آزمایشی برای ما بوده و تا زمان اندکی آنان را بهره مند سازد). (30) خطبه آن حضرت در فضیلت پدرش بعد از آنکه صلح کرد روایت شده: بعد از آنکه امام صلح کرد معاویه از ایشان خواست که خطبه اى بخواند، امام امتناع کرد، او را سوگند داد که عمل نماید، برای امام جایگاهی ترتیب دادند، امام بر آن قرار گرفت و فرمود: سپاس خدائی را سزااست که در فرمانروائیش یگانه، و در پروردگارش تنهاست، پادشاهی را به هر که خواهد بدهد، و از هر که خواهد مى گیرد، و سپاس خدائی را سزااست که مؤمنان را به ما گرامی
